

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 2, Spring 2022, 329-353
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.36581.2258

**Analysis of The Theory of Gold Standard, A Glance on the
Book *An Introduction to The Theory of Gold Standard: The
Monetary System of the New Islamic Civilization***

Wahhab Qelich*

Abstract

The unpleasant effect of Fiat money creation in disruption of economic equilibrium and class division creation is one of the main subjects of expert circles. Therefore, some researchers suggest “Theory of Gold Standard” instead of credit money. The book *An Introduction to The Theory of Gold Standard: The Monetary System of the New Islamic Civilization* is the most important book in explanation of this theory in Iranian publications. This article deals with the theoretical approach and it reviews the theory of the Gold Standard. The article shows the authors’ valuable concern about the monetary and banking system’s challenges and the unpleasant effects of Fiat money creation. Finally, the book cannot answer ambiguity and main questions scientifically and convincingly. Perhaps simultaneous using of Gold with credit money (no complete removal of credit money) is the more reasonable suggestion for the Iranian monetary system.

Keywords: Book Review, Theory of Gold Standard, Credit Money, Monetary System, Central Bank.

* Assistant Professor and Faculty Member at Monetary and Banking Research Institute, Central Bank of I.R. Iran (MBRI), vahabghelich@gmail.com

Date received: 01-11-2021, Date of acceptance: 05-04-2022



تحلیلی بر نظریه پول‌طلا؛ با نگاهی به کتاب درآمدی بر نظریه پول‌طلا: نظام پولی تمدن نوین اسلامی

وهاب قلیچ*

چکیده

امروزه چالش‌های خلق پول بدون پشتوانه در برهم‌زدن تعادل‌های اقتصادی و ایجاد شکاف طبقاتی محل بحث محافل کارشناسی است. با توجه به این چالش‌ها، برخی از محققان، جای‌گزین کردن «پول‌طلا» به جای پول اعتباری را پیش‌نهاد داده‌اند. کتاب *درآمدی بر نظریه پول‌طلا: نظام پولی تمدن نوین اسلامی*، مهم‌ترین کتاب نوشته‌شده در تبیین نظریه پول‌طلا در بازار نشر ایران است. در این مقاله، سعی شده است تا با رویکردی علمی و با نگاهی به کتاب مذکور، به نقد و بررسی نظریه پول‌طلا پرداخته شود. در این مقاله، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که مؤلفان، با داشتن دغدغه‌ای ارزش‌مند در رفع چالش‌های نظام پولی و بانکی، هدف قراردادن معضل «خلق بی‌ضابطه پول»، و تبیین مناسب ابعاد نظریه در نهایت نتوانسته‌اند به ابهام‌ها و پرسش‌های اساسی درمورد آن نظریه پاسخ علمی و قانع‌کننده‌ای را ارائه کنند. به نظر می‌رسد که استفاده موازی از طلا در مبادلات اقتصادی در کنار پول اعتباری ضابطه‌مند (و نه حذف کامل پول اعتباری) گزینه معقول‌تری برای پیش‌نهاد به نظام پولی کشور باشد.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، نظریه پول‌طلا، پول اعتباری، نظام پولی، بانک مرکزی.

* استادیار، علوم اقتصادی، عضو هیئت علمی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، تهران، ایران،
vahabghelich@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶



۱. مقدمه

یکی از چالش‌های بزرگ اقتصاد ایران به نظام پولی و بانکی آن برمی‌گردد. امروزه سامان‌یافتن وضعیت اقتصاد، بدون اصلاح و تحول در نظام پولی و بانکی، به‌سختی قابل‌تصور و درک است. در این میان، خلق پول بی‌ضابطه و تناسب‌نداشتن آن با رشد حقیقی اقتصاد یکی از معضلات مهم نظام پولی کشور شمرده می‌شود. شدت نفوذ و تأثیر این معضل به‌حدی است که عمده اقتصاددانان کشور در فهرست اهم مشکلات اقتصادی کشور حتماً نامی از چالش‌های خلق پول به‌میان می‌آورند.

در این جهت، کارشناسان و اقتصاددانان داخلی و خارجی، هر یک به‌فراخور مبانی نظری و بینش خود، راه‌کارهایی را برای رهایی از چالش مذکور ارائه کرده‌اند. از جمله پیش‌نهادهای مطرح‌شده، که در چند سال اخیر در محافل علمی و رسانه‌ای کشور بازتاب ملموس‌تری داشته است، نظریه پول‌طلاست.

کتاب *درآمدی بر نظریه پول‌طلا: نظام پولی تمدن نوین اسلامی* یکی از کتاب‌های برجسته در تبیین این نظریه است که می‌توان آن را تلاشی دغدغه‌مند با نیت رفع چالش‌های نظام پولی و بانکی و ارائه الگویی جدید و ساختار شکنانه دانست که جای‌گزینی پول‌طلا به‌جای پول رایج در مناسبات اقتصادی را پیش‌نهاد می‌کند.

هدف این مقاله، که به‌روش توصیفی-استدلالی تدوین شده است، کمک به اصلاح بینش مؤلفان کتاب و روشن‌سازی ابعاد ناشناخته این نظریه برای مخاطبان است تا از این ره‌گذر، تدقیق بهتری در مسیر علمی و تحلیلی کارشناسان دغدغه‌مند در نشر سایر آثار مرتبط حاصل آید. این مقاله، برای تحقق هدف مطلوب خود، ابتدا کتاب را در دو قالب شناس‌نامه‌ای و ساختاری معرفی می‌کند. سپس، با تفکیک‌کردن امتیازها و نقاط قوت از کاستی‌ها و نقاط ضعف، در دو محور شکلی و محتوایی، به نقد و بررسی کتاب می‌پردازد و ذیل آن توصیه‌هایی را، مبنی بر اصلاح یا تکمیل پژوهش، ارائه می‌دهد.

۲. معرفی کلی اثر

۱،۲ شناس‌نامه اثر

کتاب *درآمدی بر نظریه پول‌طلا: نظام پولی تمدن نوین اسلامی* نوشته سیدمحمدحسین متولی امامی و محمدحسن غلامی است. این کتاب ۲۷۴ صفحه‌ای را انتشارات کتاب فردا با حمایت مؤسسه تحقیقات راهبردی تمدن اسلامی (متا) در سال ۱۳۹۹ منتشر کرده است.

۲.۲ ساختار اثر

این کتاب شامل یک مقدمه، چهار فصل، دو ضمیمه و همراه با کتاب‌نامه، نمایه، و دو چکیده عربی و انگلیسی است.

جدول ۱. ساختار کتاب

ترتیب	عنوان	شماره صفحات
فصل اول	مفاهیم و کلیات	۱۷-۴۴
فصل دوم	بررسی فقهی نظریه پول‌طلا	۴۵-۱۳۸
فصل سوم	الگوی پول‌طلا در شرایط جمهوری اسلامی	۱۳۹-۲۱۲
فصل چهارم	ملحقات	۲۱۳-۲۲۸
نتیجه‌گیری	نتیجه‌گیری	۲۲۹-۲۳۶
ضمایم	ضمایم	۲۳۷-۲۵۰

۳.۲ خاستگاه اثر

براساس نکات اشاره‌شده در مقدمه کتاب، این اثر به‌پشتوانه بیش از ده سال مطالعات کتاب‌خانه‌ای و میدانی و ارزیابی مبادلات طلا بین بازار طلای ایران و کشورهای همسایه تهیه شده است و طرح پیش‌نهادی مؤسسه تحقیقات راه‌بردی تمدن اسلامی (متا) برای خروج از بحران اقتصادی امروز ایران و جهان را تبیین می‌کند. نویسندگان این کتاب خاستگاه ایده خود را به مبانی فکری و انقلابی جمهوری اسلامی و فقه شیعی متصل دانسته و معتقدند که این ایده با نظام پولی حاکم بر اقتصاد جهان در تقابلی صریح قرار دارد.

۴.۲ چهارچوب مفهومی و روش‌شناختی اثر

چهارچوب مفهومی کتاب به طرح نظریه پول‌طلا اختصاص دارد. در نقدی درون‌ساختاری، باید گفت که نویسندگان کتاب مباحث را به‌شکل منظم و ساختارمند و به‌ترتیب طرح نمی‌کنند و در تبیین نظریه خود، سیر بحث منسجم را همراه با نقطه شروع و پایان مشخص و رعایت نمی‌کنند، گرچه درنهایت، خواننده می‌تواند از میان مطالب پراکنده کتاب تاحدودی به کلیات چهارچوب مفهومی نظریه پول‌طلا پی ببرد.

بحث با این فرضیه آغاز می‌شود: «باتوجه به آثار غیرشرعی و غیرانسانی و تبعات اجتماعی و اقتصادی پول اعتباری، پول جامعه اسلامی نمی‌تواند از نوع پول‌های اعتباری باشد و بنابراین، پول اعتباری موردامضای شارع مقدس نیست» (متولی امامی و غلامی ۱۳۹۹: ۵۰). به عبارتی، پیش‌فرض اساسی نظریه پردازی پول‌طلا آن است که پول اعتباری قدرت برقراری ثبات و عدالت را در اقتصاد ندارد و ریشه مشکلات اقتصادی کشور از پول اعتباری نشئت گرفته است.

با این پیش‌فرض، نظریه پول‌طلا با سؤالی مهم روبه‌رو می‌شود که حال، چه جای‌گزینی را می‌توان برای پول اعتباری تصور کرد. در این بخش کتاب، نویسندگان از ایده پول‌طلا رونمایی و بیان می‌کند:

پول معیار در اسلام پول کالایی است؛ یعنی پولی که خودش کالا باشد و جزو سبد کالاها بوده و ارزش واقعی داشته باشد. باتوجه به ویژگی‌های خلقتی طلا، ویژگی‌های قدسی آن، و همچنین باتوجه به احتمال موضوعیت داشتن دینار و درهم مسکوک به سکه رایج در برخی احکام اسلامی، از جمله زکات، دیه، و مضاربه، می‌توان گفت پول کالایی مورد تأیید اسلام پول‌طلاست و تنها از این طریق امکان تأمین اهداف و اجرای احکام و آموزه‌های اسلامی ممکن خواهد بود (همان).

جمهوری اسلامی، برای تداوم آرمان‌ها و تحکیم اصول اخلاقی و انسانی خود، چاره‌ای جز پذیرش پول‌طلا ندارد (همان: ۱۴۱).

در مجموع، می‌توان گفت که این اثر از حیث روش‌شناختی در دو گام توصیفی و تحلیلی خلاصه شده است: گام اول، نفی و طرد کامل پول اعتباری و گام دوم، تبیین و تشریح پول‌طلا به عنوان جای‌گزین کامل پول اعتباری است.

۳. علت انتخاب کتاب

کتاب درآمدی بر نظریه پول‌طلا: نظام پولی تمدن نوین اسلامی را می‌توان از مهم‌ترین تلاش‌های جدی برای تبیین نظریه پول‌طلا دانست. این نظریه بارها در محافل مختلف علمی و کرسی‌های اندیشه‌ورزی کشور به بحث و بررسی گذاشته شده است و طرفداران آن موجی از حرکت‌های رسانه‌ای و ترویجی را در فضای مجازی و حقیقی شکل داده‌اند. از این منظر، ضروری می‌نماید تا نقدی بر نظریه مطرح‌شده در قالب یک مقاله علمی و پژوهشی تدوین و ارائه شود.

۴. نقد و بررسی شکلی کتاب

۱.۴ امتیازها و نقاط قوت شکلی

این کتاب از حیث نوع و اندازه خط نگارش، فاصله خطوط، و حاشیه‌گذاری برای متن در وضعیت خوبی قرار دارد. متن کتاب روان و رساست و با اصطلاحات قابل فهم برای عموم مخاطبان تدوین شده است. استفاده از اشکال و تصاویر مرتبط با متن به روشن شدن مقصود مؤلفان کمک کرده است. رنگ روی جلد کتاب زرد طلایی است و در آن از طرح گرافیکی یک سکه شش ضلعی، منقش به نام زیبای «علی» (ع) و حاشیه‌نگاری‌های مرسوم در متون قدیمی، استفاده شده است که به خوبی به پول‌طلا اشاره دارد، گرچه بهتر بود در تصویر سکه از سکه‌های دایره‌ای و با جزئیات بیش‌تری استفاده می‌شد. پشت جلد کتاب نیز، با همان رنگ و حاشیه‌نگاری و با نوشتاری در معرفی اجمالی نظریه پول‌طلا، وضعیت قابل قبولی دارد. کتاب در قطع پالتویی چاپ شده است که با توجه به حجم مطالب قطع مناسبی برای خوانندگان است.

۲.۴ کاستی‌ها و نقاط ضعف شکلی

۱.۲.۴ عنوان کتاب

نویسندگان از عنوان «درآمدی بر نظریه پول‌طلا: نظام پولی تمدن نوین اسلامی» استفاده کرده‌اند. فارغ از این که «نظریه بودن» یا «فرضیه بودن» ایده این کتاب، جای بحث دارد، می‌توان به این نکته اشاره کرد که گرچه به کارگیری پول‌طلا در نظام پولی تحول بزرگ به حساب می‌آید، نباید فراموش کرد که تعریف یک نظام پولی صرفاً در نوع پول و نظام پرداخت خلاصه نمی‌شود، بلکه انواع سیاست‌های پولی، ابزارهای سیاست پولی، انواع بانک‌داری، انواع ابزارها و شیوه‌های بانک‌ها در تجهیز و تخصیص منابع و ارائه خدمات بانکی، نقش بانک‌داری مرکزی در ثبات پولی و کمک به رشد و توسعه مالی اقتصاد، حوزه بانک‌داری بین‌الملل، و... ذیل تعریف نظام پولی قرار می‌گیرند. اما نویسندگان در این کتاب صرفاً به مقوله پول‌طلا در ابزارهای پرداخت و مقوله خلق پول تمرکز کرده و به سایر ابعاد مهم نظام پولی نپرداخته‌اند. از این حیث، انتخاب عنوان «نظام پولی تمدن نوین اسلامی» برای این کتاب چندان جامع و صحیح به نظر نمی‌رسد.

۲.۲.۴ ایرادهای تایپی و ویرایشی

گرچه متن کتاب از لحاظ ویرایشی، شرایط خوبی دارد، در برخی موارد، اصطلاحات و کلمات نادرست هم چاپ شده که در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. اغلاط متن کتاب

صفحه	متن کتاب	ایراد ویراستاری
۲۳	برخی فقها، دیدگاه جالب‌توجهی درباره ماهیت پول اعتباری مطرح می‌کنند. <u>وی</u> معتقد است پول اعتباری...	مرجع ضمیر مفرد «وی»، اسم جمع «برخی فقها»ست. بهتر بود عنوان می‌شد: «یکی از این فقها معتقد است...»
۵۸	مطابق متون دینی، کسی که طلا و نقره فراوان <u>ذخیر</u> می‌کند.	اشتباه تایپی کلمه «ذخیره»
۱۲۷	احتمال خصوصیت <u>پول</u> ا در باب دیه	اشتباه تایپی کلمه «پول‌طلا»
۱۳۱	و تنها یک راه‌کار <u>حکومی</u> است.	اشتباه تایپی کلمه «حکومتی»
۲۲۳	سپس به <u>مان</u> نسبت از دیه مرد یا زن را برای...	اشتباه تایپی کلمه «همان»
۲۲۵	نقد <u>ضعیف</u> پولی به این شکل، مردم با متوجه عمق فاجعه کرده و...	اشتباه تایپی کلمه «وضعیت» و «را»
۲۵۸	منبع «ماهیت حقوقی اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی»	این منبع دو بار در بخش منابع ذکر شده است.
۲۵۹	«منابع کتاب»	باوجود آن‌که در کتاب چندبار به مصاحبه‌های موسویان (به‌عنوان منتقد) اشاره شده است، در منابع انتهایی این اثر معرفی نشده است. این درحالی است که منبع مصاحبه دژپسند در صفحه ۲۵۵ ذکر شده است.

۵. نقد و بررسی محتوایی اثر

۱.۵ امتیازات و نقاط قوت محتوایی

نویسندگان این کتاب در پوشش ابعاد همه‌جانبه نظریه خود سعی داشته‌اند. پاسخ (هرچند ناقص) به برخی از شبهات و پرسش‌های ناقدان، استفاده مناسب و به‌جا از منابع قرآنی و روایی، همراه با ذکر کامل متن عربی و منابع آن، بهره‌گیری از نمودارهای تفهیمی، استفاده به‌روز از آمارها، آوردن محاسبات ریاضی در مواقع لازم برای تقویت ابعاد استدلالی متن، تکرار چندباره نکات کلیدی و پرداختن باحوصله به ابعاد ایده اصلی کتاب، از جمله امتیازات و نقاط قوت محتوایی اثر شمرده می‌شوند. هم‌چنین می‌توان معرفی «خلق پول

تحلیلی بر نظریه پول‌طلا؛ با نگاهی به کتاب ... (وهاب قلیچ) ۳۳۷

بانکی» را، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ریشه‌های مشکلات اقتصادی کشور، انتخاب صحیح، هوشمندانه، و برخاسته از ادبیات علمی اقتصاد دانست.

۲.۵ کاستی‌ها و نقاط ضعف محتوایی

۱.۲.۵ نقد خاستگاه اثر

همان‌طور که بیان شد، خاستگاه این اثر به مبانی فکری و انقلابی جمهوری اسلامی و فقه شیعی متصل دانسته شده است و نویسندگان آن را در تقابل صریح با نظام پولی حاکم بر اقتصاد جهان می‌دانند. ذکر برخی مستندات قرآنی و روایی می‌تواند تاحدی خاستگاه اثر را روشن سازد، در حالی که از نظر مراجع عظام تقلید و فقهای مجتهد شیعه در تأیید پول‌طلا استفاده مناسبی نشده است. هم‌چنین، گرچه نقدهایی کلی از بزرگان نظام جمهوری اسلامی ایران به وضع حاضر اقتصاد کشور نقل شده است، هیچ نقل قول مستقیم و مشخصی از کلام ایشان در تأیید نظریه پول‌طلا ارائه نشده است.

۲،۲،۵ نقد روش شناختی اثر

روش اصلی کتاب مبتنی بر تحلیل‌های توصیفی و نظری است و در آن سعی شده است تا برای تبیین و اثبات نظریه پول‌طلا از پله اول، یعنی نهی و طرد پول اعتباری، شروع شود.

پول اعتباری که بدون التزام به هیچ‌گونه تعهدی چاپ و انتشار پیدا می‌کند، امکان تضعیف سرمایه‌های مردم و انتقال قدرت خرید به طبقه خاصی از جامعه را فراهم کرده است و دست نظام سرمایه‌داری را برای تصرف و غصب سیستمی اموال مردم باز گذاشته است (متولی امامی و غلامی ۱۳۹۹: ۳۱).

هجمه به پول اعتباری در پی درک نادرست از سازوکارهای هم‌راه آن است. وقوع تورم حاصل از خلق پول بانکی (که به‌حق از مشکلات بزرگ اقتصاد امروز کشور است)، برای طرف‌داران پول‌طلا، بهانه‌ای برای طرد کامل پول اعتباری شده است، در حالی که آنچه باعث تورم شدید و توزیع نامناسب ثروت و درآمد در طبقات جامعه می‌شود، ناشی از ذات پول اعتباری نیست، بلکه ناشی از سیاست‌های نادرست پولی یا اجرای ناقص سیاست‌های صحیح پولی است (ختیایی و سیفی‌پور ۱۳۹۴: ۳). امروزه، بانک‌های مرکزی جهان که از همین پول اعتباری استفاده می‌کنند، توانسته‌اند با وضع

و اجرای سیاست‌های منضبط پولی، نرخ تورم را کنتریلی تحسین‌برانگیز کنند، به نحوی که اکثر قریب به اتفاق اقتصادهای جهانی با تورمی کم‌تر از ۵ درصد روبه‌رویند (see <<https://www.worldbank.org>>.؛ <<https://www.imf.org>>).

آنچه به رشد نرخ تورم یا توزیع نامناسب ثروت منجر شده است، عمدتاً ناشی از سلطه سیاست مالی بر سیاست پولی، عدم استقلال بانک مرکزی، اقتصاد تک‌محصولی و وقوع بیماری هلندی، فقدان ابزارهای سیاست پولی، اجرای ناقص سیاست‌های پولی، و... است، نه ذات پول اعتباری. برای تقریب ذهن، می‌توان چنین مثال زد که به‌علت رعایت‌نکردن مقررات راندگی توسط عده‌ای از رانندگان و وقوع تصادف و خسارت جانی و مالی، از اساس مانع وجود خودرو در جامعه شویم و تلاش کنیم که از وسیله نقلیه دیگری به جای خودرو استفاده کنیم، حال آن‌که با رعایت ضوابط و مقررات راه‌نمایی و راندگی، می‌توانیم از خودرو استفاده مناسب و مفیدی داشته باشیم.

البته مؤلفان در صفحه ۵۲ با عبارت «هرچند ممکن است بتوان کشوری را مصون از تورم داخلی یا تورم دلاری فرض نمود»، تلویحی بیان ما را پذیرفته‌اند و با برگشت سریع از نقد خود، مبحث دیگری چون ظالمانه‌بودن خلق پول را پیش کشیده‌اند، درحالی که بخش مهمی از استدلال‌های کتاب برای طرد پول اعتباری مبتنی بر گزاره «ایجاد تورم شدید ناشی از پول اعتباری» است. هم‌چنین، در بخش انتهایی کتاب (متولی امامی و غلامی ۱۳۹۹: ۲۱۵-۲۱۸)، مطالبی تحت عنوان «توهم انضباط پولی» آورده شده است که ضعف استدلالی و در برخی موارد تعارض محتوایی دارد. این‌که گفته می‌شود «آیا کشورهای موردنظر (کشورهای با تورم پایین) توانسته‌اند طی چند دهه از نوسان ارزی مصون بمانند؟» ناظر بر این فرض است که نوسان ارزی همواره منفی و برای حال اقتصاد مضر است، حتی اگر طی چند دهه بروز داشته باشد. با فرض این‌که پول‌طلا نرخ تورم را در همه ادوار تاریخی به صفر می‌رساند، سؤال مهم آن است که آیا این تورم صفردرصدی مناسب و برای حال اقتصاد مفید است؟ براساس نظر کارشناسان اقتصادی، وجود تورم کم‌سطح (درحدود ۲ تا ۳ درصد) همواره برای رشد و رونق اقتصادی ضروری است. به‌عبارتی، تورم کم، باعث تشویق به مصرف‌کردن، تهییج اقتصاد، و تولید سودآور می‌شود که نتایج مثبتی برای اقتصاد دارد. با این نظر، اگر پول‌طلا به تورم صفر درصد منجر می‌شود، این یک نقیصه و نه یک حُسن برای این پول کالایی به حساب خواهد آمد.

هم‌چنین، در جای دیگر کتاب نوشته‌اند:

رهبر معظم انقلاب در بیانیه مشهور به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی... بر عدالت اجتماعی، حفظ ثروت جامعه و افزایش تولید، تأکید می‌کنند که این سه آرمان نه تنها در نظام پول اعتباری امکان تحقق ندارد، بلکه چنین سیستم پولی ظالمانه‌ای در تناقض با چنین مطالباتی است (همان: ۳۵).

اما نگاهی به بهبود ضریب جینی، نرخ رشد اقتصادی، حفظ و افزایش ثروت جامعه، و افزایش مستمر تولید در جوامع جهانی طی سال‌های متمادی (see <<https://www.worldbank.org>>; <<https://www.imf.org>>. شاهدهی بر بطلان این ادعای نویسندگان است که در نظام پول اعتباری امکان تحقق عدالت اجتماعی، حفظ ثروت جامعه، و افزایش تولید وجود ندارد، بلکه در تناقض با چنین مطالباتی است.

خطای راه‌بردی از این نقطه شروع می‌شود که کل نظام اقتصاد جهانی که حاصل تجربه و آزمون و خطای بشریت است، به صورت یک‌جا تقبیح و تکفیر می‌شود و راه استفاده از نقاط قوت و درس گرفتن از نقاط ضعف آن به کل مسدود می‌شود. با این نگاه، هرآنچه از اقتصاد متعارف صادر می‌شود، به تمامی مصدر خطا و اشتباه است و جامعه وطنی را به اختراع دوباره چرخ رهنمون می‌سازد. البته این عبارت به معنای تأیید چشم‌پسته کلیه آموزه‌های اقتصاد متعارف نیست. مسلم است که برخی از آموزه‌ها با مبانی فکری اسلامی و سستی ما هم‌خوانی ندارند، اما این امر نمی‌تواند به معنای طرد کل آموزه‌ها و بازگشت به نقطه شروع باشد. حقیقت آن است که نمی‌توان با چشم‌پستن بر موفقیت‌های اقتصادهای جهانی در مقوله حفظ ثروت و افزایش تولید ملی، نظام پول اعتباری آن‌ها را به‌طور کلی تخطئه کرد.

قدم بعدی مؤلفان در طرد پول اعتباری به عنوان پله اول تبیین و تأیید نظریه پول‌طلا، به بیماری هلندی برمی‌گردد. «بیماری هلندی محصول پول اعتباری است... با پول‌طلا، به جای افزایش درآمدهای ارزی، مقدار طلای کشور افزایش می‌یابد... در شرایط پول‌طلا، ریشه بیماری هلندی، یعنی نرخ ارز، خشکانده می‌شود» (متولی امامی و غلامی ۱۳۹۹: ۱۶۵).

در پاسخ باید گفت که فرض شود ایران به ترکیه نفت صادر کرده است و درازای آن، از این کشور طلا وارد می‌کند. با کاهش حجم طلا در ترکیه، قیمت آن در این کشور بالا می‌رود. این افزایش قیمت انگیزه خوبی است تا تاجران ایرانی با انتقال پول طلا به ترکیه به واردات (یا قاچاق) ارزان و گسترده از این کشور اقدام کنند. این افزایش واردات و قاچاق،

با هر بار افزایش قیمت جهانی طلا، از هر کشور دیگری نیز محتمل است و کشور دوباره دچار عوارض بیماری هلندی خواهد شد. گفتنی است که به‌علت ارزش مند بودن قطعات کوچک طلا، قاچاق طلا از کشور با سهولت و در روش‌های نظارت‌گریز و رصدناپذیر انجام خواهد گرفت.

مؤلفان در صفحه ۱۶۲ با اشاره به این نکته، چنین نوشته‌اند:

... در کوتاه‌مدت، قیمت کالاهای ترکیه نسبت به طلا ارزان می‌شوند. یعنی مزیت صادراتی پیدا می‌کنند، اما این موضوع، موقت است... بعد از یک سال، با افزایش حقوق و هزینه‌ها در ترکیه، مجدداً آن پارچه (کالای صادراتی) گران می‌شود... فرض کنید قیمت هر تن پارچه ترکیه معادل پنج سکه طلا باشد. با کاهش ارزش لیر، قیمت هر تن پارچه ترک معادل چهار سکه می‌شود و مزیت صادراتی به ایران پیدا می‌کند... با افزایش هزینه‌ها و تورم ناشی از کاهش ارزش لیر در ترکیه، قیمت کالا کم‌کم زیاد می‌شود تا به تعادل برسد و پارچه مجدداً پنج سکه می‌شود. در این وضعیت، همان پارچه قابل صادرات به ترکیه است و یک سکه به اموال ایران اضافه شده است.

خطای این استدلال غفلت از این نکته است که با بروز تورم در ترکیه، نه تنها قیمت پارچه و کالاهای صادراتی، بلکه خود طلا هم گران می‌شود و نمی‌توان اثر تورم ترکیه را صرفاً بر پارچه لحاظ کرد و از اثر آن بر ارزش طلا غافل شد.

از این حیث، روش شناختی کتاب بر شالوده‌ای نامطمئن و سست بنا شده است؛ شالوده‌ای که مبتنی بر طرد کامل پول اعتباری در پی یافتن جای‌گزینی با عنوان پول طلا است، درحالی‌که این شالوده، به‌علت نقص نظری و پاسخ‌ندادن به شبهات مطرح‌شده، نمی‌تواند پایه محکمی برای رجوع به پول کالایی و جای‌گزینی کامل آن به جای پول اعتباری باشد.

۳.۲.۵ نقد میزان انطباق و جامعیت اثر

محتوای کتاب با عنوان و سرفصل‌های کتاب انطباق خوبی دارد، اما از حیث جامعیت اثر، بهتر آن بود که درخصوص سابقه این نظریه در سایر کشورها و مطالعات خارجی کاوشی گسترده صورت می‌گرفت.

۴.۲.۵ نقد میزان نوآوری و روزآمدی اثر

باتوجه به جدید بودن نظریه پول طلا در ادبیات علمی کشور و فقدان اثری مشابه این کتاب در بازار نشر ایران، می‌توان ادعان کرد که این کتاب نوآورانه و روزآمد است.

۵،۲،۵ نقد چهارچوب مفهومی اثر

چهارچوب مفهومی اثر، با این پیش‌فرض که پول اعتباری محصول تمدن غرب و پول‌طلا معیار پول اسلامی است (بنگرید به متولی امامی و غلامی ۱۳۹۹: ۴۰-۴۴)، چنین وانمود می‌کند که پول‌طلا منحصرأ به‌عنوان پول اسلامی اثبات شده است (همان: ۹۴) و «پول موردنظر اسلام سکه ضرب‌شده طلاست» (همان: ۲۳۴).

این درحالی است که اولاً دینار به‌عنوان سکه طلایی نخستین بار در دوران جمهوری روم ضرب شده است. واژه دینار از واژه دنا ریوس یونانی گرفته شده است و سابقه استفاده از آن به دوره ساسانی و روم باستان (دوره‌های قبل از اسلام) بازمی‌گردد. با ظهور اسلام، استفاده از این پول به‌نحو «امضایی» و نه تأسیسی و انحصاری، مورد تأیید شارع قرار گرفت. معنی این امر این نیست که پول‌طلا پول انحصاری اسلام است، بلکه نشان می‌دهد که بنابر خصلت‌های مناسبی که این مسکوک داشت و ضمن پذیرش آحاد جامعه به تسهیل مبادلات کمک می‌کرد که مورد تأیید و امضای شارع قرار گرفته است.

ثانیاً، اگر پول اعتباری، پولی برآمده از فرهنگ و تمدن غرب است که سنخیتی با مبانی و آموزه‌های اسلامی ندارد، پس چگونه فقهای مشهور اسلامی در طول قرن‌های متمادی (از صدر اسلام تا کنون) و خصوصاً در دوره انقلاب شکوهمند اسلامی، با زعامت حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری، دستوری مبنی بر طرد پول اعتباری و جانشینی کامل پول‌طلا با آن صادر نکرده‌اند؟ پول اعتباری نه‌تنها مطرود فقهای اسلامی نبوده است، بلکه همواره عموم جریان‌های مالی خمس، شهریه، و وجوهات را با همین پول اعتباری ترتیب داده‌اند، چنان‌که گزینه مراجعه به مسکوکات طلایی و جانشینی کامل آن با پول اعتباری هم برای آنان همواره دردسترس بوده است. بنابراین، برخلاف نظر مؤلفان کتاب، پول‌طلا پول اسلامی نیست، بلکه مورد تأیید اسلام است.

هم‌چنین بخش دیگری از چهارچوب مفهومی این کتاب، آن‌گونه که در صفحات ۹۴ تا ۱۳۸ عنوان شده است، به مقوله زکات و دیه، اهمیت و ضرورت آن‌ها در جامعه اسلامی، و موضوعیت داشتن پول‌طلا در محاسبه آن‌ها می‌پردازد. به نظر می‌رسد که صرف اثبات کاربرد پول‌طلا در زکات و دیه نمی‌تواند به‌معنای حذف کامل ریال و پول اعتباری از اقتصاد باشد. این امکان که طلا در بخش‌هایی از فعالیت‌های اقتصادی هم‌چون پرداخت قرض، مهریه، دیه، زکات، و... مورد استفاده باشد، مورد مخالفت نیست و از قضا می‌تواند به آن توصیه هم شود. نکته این است که این کاربرد دلیلی بر ضرورت حذف پول اعتباری و جای‌گزینی

کامل با پول کالایی قلمداد نمی‌شود و به‌نوعی نمی‌توان از جزء به کل نتیجه‌گیری کرد. هم‌چنین، اخذ مالیات‌های حاکمیتی در حکومت اسلامی مشروع، پرکاربرد، و قابل‌سیاست‌گذاری است و می‌تواند درکنار زکات مورد استفاده قرار گیرد.

نکته بعدی در نقد چهارچوب مفهومی کتاب این است که حذف پول اعتباری از اقتصاد جهانی و جای‌گزینی پول‌طلا با مانعی توسعه‌ای روبه‌روست. طلا در جهان کالایی محدود است و مانند پول اعتباری قابل‌افزایش به‌دست بشر نیست. ازسوی دیگر، رشد اقتصادی همواره به افزایش متناسب حجم پول در جریان نیاز دارد. حال با لحاظ‌کردن پول‌طلا و محدودیت استخراج طلا از معادن، رشد اقتصاد جهانی به‌پشتوانه چه افزایشی در حجم طلا صورت خواهد پذیرفت؟

مطلب آخر در نقد چهارچوب مفهومی اثر بی‌پاسخ‌ماندن این پرسش است که اگر نظام نظریه پول‌طلا این‌قدر جامعیت دارد و بر حذف تورم، کنترل نقدینگی، مهار نوسانات قیمتی، و تثبیت ارزش پول و ثبات مالی و اقتصادی بسیار اثرگذار است، پس چرا هیچ کشوری تاکنون به حذف پول ملی اعتباری خود و جای‌گزینی آن با پول‌طلا اقدام نکرده است؟ حتی این تغییر پول در کشورهایی که از سایر کشورها ذخایر فراوان طلا دارند مشاهده نشده است.

۶,۲,۵ نقد برخی از گزاره‌ها و استدلال‌های کتاب

۱. «علت این‌که اوراق نقدیه (پول اعتباری) عرفاً مالیت پیدا کرده و درمیان مردم، به‌عنوان مال پذیرفته شده است، تعهد بانک نسبت به حفظ قدرت خرید است» (بنگرید به متولی امامی و غلامی ۱۳۹۹: ۲۴).

براساس ماده اول قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، که در سال ۱۳۹۶ دوباره تأیید شده است، هر ریال برابر با یک‌صدم گرم طلای ۲۴ عیار است. بر این مبنای مؤلفان چنین برداشت کرده‌اند که تعهد بانک درقبال حفظ قدرت خرید پول علت مالیت آن است. تناقض موجود در این گزاره آن است که امروزه به‌نحو عرفی مسلم شده است که بانک به حفظ قدرت خرید پول تعهدی ندارد و این قدرت هر ساله با وقوع تورم کاهش می‌یابد، اما هم‌چنان پول جاری به‌عنوان مال میان مردم اعتبار دارد و در مبادلات روزمره به‌قوت مورد استفاده قرار می‌گیرد. گرچه ممکن است از کارآیی پول به‌عنوان «ذخیره ارزش» تاحدی کاسته شده باشد، این به‌معنای ازبین‌رفتن مالیت پول در عرف جامعه نیست. از این جهت،

تحلیلی بر نظریه پول‌طلا؛ با نگاهی به کتاب ... (وهاب قلیچ) ۳۴۳

به نظر می‌رسد که امروزه «مقبولیت عمومی» و «اعتبار حاکمیتی» در پول است که به مالیت داشتن آن منجر شده است، مگر نه آن‌که در حال حاضر خبری از تعهد به حفظ قدرت خرید پول وجود ندارد.

نویسندگان در جای دیگر کتاب اذعان می‌دارند: «در همهٔ ارزهای اعتباری، تعهد بانک مبنی بر حفظ ارزش پول از طریق خلق پول بانکی نقض شده و حتی امضایی که بر روی اسکناس‌ها وجود دارد و این تعهد را معتبر می‌شمارد، نادیده گرفته شده است» (همان: ۵۹؛ برای تکرار این مفهوم، بنگرید به همان: ۶۴).

شاید در گذشته امضای روی اسکناس‌ها بیان‌گر تعهدات مالی دوطرفه بود، اما امروزه امضای روی اسکناس‌ها بیش‌تر برای رعایت یک سنت قدیمی و نمادین ممانعت از جعل اسکناس و نمایش اعتباردهی حاکمیت به اسکناس است و این موضوع مورد تأیید و قبول آحاد جامعه به‌عنوان دارندگان اسکناس است. براساس پژوهش انجام‌گرفته دربارهٔ ۹۵ درصد از اسکناس‌ها، حداقل یک امضا وجود دارد (حدود نیمی از کشورها اسکناس‌هایی با دو امضا منتشر می‌کنند). در این میان، اسکناس‌های بدون امضا نامتداول‌اند و فقط در هفت کشور آذربایجان، بلاروس، لائوس، میانمار، روسیه، ویتنام، و ازبکستان این‌گونه اسکناس‌ها دیده می‌شوند. هم‌چنین، در کشورهای معدودی چون چین، ژاپن، و جمهوری کره مهرهای چاپی (تمبر یا مهر) مورد استفاده قرار می‌گیرند (Lomberg 2008: 48-52). بنابراین، مشاهده می‌شود که در عصر حاضر امضای روی اسکناس به‌معنای تعهد حفظ ارزش پول نیست و عموم اسکناس‌های امضادار می‌توانند به کاهش ارزش دچار شوند. برای تبیین بهتر نقد، باید از مؤلفان کتاب پرسید که آیا در گوشه‌ای از جهان در پی کاهش ارزش اسکناس فرد امضاکنندهٔ اسکناس به‌دلیل امضا تحت پی‌گرد قانونی قرار گرفته است؟

۲. «در بانک‌داری به‌اصطلاح اسلامی، حساب جاری با عنوان قرض بدون بهره معرفی کرده‌اند، درحالی‌که در سپردهٔ جاری، نه سپرده‌گذار و نه بانک به‌دنبال هدف‌های خیرخواهانه و قرض‌الحسنه نیستند» (متولی امامی و غلامی ۱۳۹۹: ۳۹).

قرض در لغت به‌معنای این است که یک نفر مالی را به دیگری پرداخت می‌کند تا بدل آن را به او بازگرداند (راغب اصفهانی ۱۴۱۲ق: ۶۶۶). از لحاظ فقهی نیز قرض عبارت است از این‌که فردی مالی را ملک دیگری کند، به این شرط که دریافت‌کنندهٔ مال متعهد (مشغول‌الذمه) و ضامن باشد که خود آن مال (مثل) یا قیمت آن را بازگرداند

(موسوی خمینی ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۲۱). آن‌طور که مشخص است، شرط اهداف خیرخواهانه و خدایپسندانه در تعریف قرض وجود ندارد و برخی این شرط نیت را نه در عقد «قرض»، بلکه در عقد «قرض الحسنه» لازم می‌دانند. آنچه امروزه در نظام پولی و بانکی متعارف و ربوی به نحو گسترده‌ای مورد استعمال قرار دارد، «قرض» به‌عنوان معادلی برای کلمه Loan است که از ماهیت قرض الحسنه، معادل کلمه Qard al-Hasan در سنت اسلامی فاصله زیادی دارد. گرچه، بنابر استفاده مکرر از این دو عبارت به‌جای یک‌دیگر در ادبیات اقتصادی ایران، می‌توان از این خلط عبارات چشم‌پوشی کرد.

۳. «هنوز مردم ایران براساس سابقه تاریخی مبارزه با پادشاهی ریال را قبول ندارند و تومان ثابت‌شده با دینار (پول‌طلا) را واحد پولی خود می‌دانند» (متولی امامی و غلامی ۱۳۹۹: ۵۵).

آن‌گونه که از عرف جامعه ایران برمی‌آید، ریال هم‌چنان مورد پذیرش و مقبولیت آحاد جامعه است و نظام جمهوری اسلامی ایران آن را واحد رسمی پول خود اعلام کرده و نظام رسمی حسابداری کشور بر این واحد پول استوار است. بنابراین، روشن است که استفاده بیش‌تر از تومان (با حفظ تناسب یک‌دهم ارزش ریال) برای راحتی و سهولت در معاملات است و نه برای طرد ریال به‌خاطر سابقه تاریخی مبارزه با پادشاهی. هم‌چنین، امروزه کم‌تر کسی معنای تومان ثابت‌شده با دینار (پول‌طلا) را درک می‌کند.

۴. «بانک‌ها بدون هیچ‌گونه خطرپذیری، کاغذهایی را چاپ می‌کنند و در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌دهند و سود این وام را از تولیدکننده مطالبه می‌نمایند» (همان: ۶۱).
آن‌چه مؤلفان در این گزاره به آن متعرض شده‌اند، بانکداری مدرن یا همان بانکداری مبتنی بر خلق پول از هیچ است. این در صورتی است که براساس بانکداری اسلامی و قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک امکان این کار را ندارد و باید مبتنی بر قاعده وکالت در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، منابع سپرده‌گذاران را به‌وکالت از سپرده‌گذاران به تسهیلات‌گیرندگان تخصیص دهد (بنگرید به قلیچ ۱۳۹۸ الف). آنچه در متن کتاب مشاهده می‌شود، عدم نقد قاعده وکالت در بانکداری بدون رباست و صرفاً تمرکز بر حالتی است که خارج از اسلوب فعلی بانکداری بدون ربا قرار دارد. از این رو، بهتر بود در یک بحث نظری قاعده مرسوم در بانکداری بدون ربا، که همان بانکداری مبتنی بر وکالت است، مورد نقد و بررسی بیش‌تری قرار می‌گرفت.

ربوی بودن بستر پول اعتباری، دلیل دیگر حرمت خلق پول بانکی است... حجم مشخص از پول اعتباری، به دلیل آن که از سیستم بانکی خارج نمی شود و از حسابی به حساب دیگر جابه جا می شود، بارها و بارها با کسر نرخ ذخیره قانونی، به افراد مختلف با تعیین نرخ بهره وام داده می شود! چنین عملی همان روشی است که اصطلاحاً می گویند پول کار می کند و فقه شیعه در صورتی که به ماهیت چنین عملی آگاهی دقیق پیدا کند، شکی در ربوی بودن سیستم بانکی نمی کند (متولی امامی و غلامی ۱۳۹۹: ۶۲-۶۳).

آنچه مؤلفان نقد می کنند، هرچه باشد در مفهوم ربا قرار نمی گیرد. ربا در متون دینی تعریف مشخصی دارد. فقهای مشهور شرط زیاده در عقد قرض را ربا می دانند (حلی ۱۴۲۰ق: ج ۱۲، ۲۸۲؛ نجفی ۱۴۱۵ق: ج ۲۵، ۵؛ شهید ثانی ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۶۵۳). البته ربا معامله و ربای جاهلی نیز دو نوع دیگر ربایند که اولی در معامله کالا با کالا و دومی در افزون بر بدهی درازای تمدید مهلت جریان می یابد. شایان ذکر است که عارضه خلق پول بدون ضابطه عموماً ذیل قاعده ممنوعیت اکل مال به باطل بحث می شود و نه قاعده ممنوعیت ربا.

۶. «تصور غلط... این است که قیمت طلا را متغیر می پندارند، در حالی که آنچه در حال تغییر است، نرخ ارزهای اعتباری می باشد و اگر قیمت طلا به ظاهر تغییر می کند، به دلیل نوسان پولهای اعتباری چنین تصویری به وجود می آید» (متولی امامی و غلامی ۱۳۹۹: ۷۴). «طلا گران یا ارزان نمی شود، بلکه ارزش ریال و دلار تغییر می کند» (همان: ۱۴۷). «باید توجه داشت که طلا هیچگاه نوسان ندارد» (همان: ۱۶۱).

اولاً طلا، همانند هر کالای دیگری، متأثر از میزان عرضه و تقاضای کالاهای جانشین و مکمل آن است. کشف معادن جدید طلا، تحریم، جنگ، منازعات سیاسی و منطقه ای، و... همگی می توانند تقاضا و عرضه طلا را در جهان متأثر سازند و بر ارزش آن اثر بگذارند. اگر خبری مبنی بر کشف ویروس جدیدی منتشر شود که فقط روی طلا زنده می ماند یا دانشمندان عوارض منفی استفاده از طلای زینتی بر سلامت و بهداشت افراد را اعلام کنند، آیا این اخبار به کاهش تقاضا و افت ارزش طلا منجر نخواهد شد؟

ثانیاً، به نظر مؤلفان نوسان ارزش پول اعتباری به جهالت ثمن معاملاتی منجر می شود که با پول اعتباری انجام می پذیرد و «برخی این احتمال را مطرح کرده اند که معامله با پولهای

اعتباری به دلیل جهالت ثمن باطل است» (همان: ۶۶). این در صورتی است که طلا نیز، بنابر ویژگی‌های کالایی خود و داشتن مازاد احتمالی تقاضا یا عرضه، امکان نوسان ارزش دارد. ثالثاً، با فرض آن که طبق نظر طرف‌داران پول‌طلا، ریال از کل نظام پولی جمهوری اسلامی ایران حذف و پول طلا جای‌گزین آن شود، در این وضعیت، به دلیل استقرار پول اعتباری در جهان، طلا هم‌چنان با پول اعتباری هم‌چون دلار و یورو ارزش‌گذاری می‌شود و این امکان نوسان ارزش طلای داخل کشور را هم‌چنان فراهم می‌سازد. به‌عنوان مثال، اگر نظام پولی ایران کاملاً مبتنی بر پول‌طلا شود و در خارج از مرزهای کشور، ارزش طلا در برابر دلار افزایش یابد، این امکان وجود دارد که سکه‌های طلا به صورت قاچاق از کشور خارج شوند و در بیرون مرزها، به دلار و سپس به کالاهایی برای واردات یا قاچاق ارزان‌قیمت به کشور تبدیل شوند یا در خارج از کشور به صورت زمین و مسکن یا تأمین سرمایه یک بنگاه خارجی اقتصادی حبس شوند.

۷.

عقد مضاربه... بر بستر پول ثابت قابل تحقق می‌باشد. در غیر این صورت، ممکن است ارزش پول اعتباری در گذر زمان کاهش یابد و به همین دلیل، مبلغ اسمی سرمایه بالا برود و در حالی که سرمایه‌پذیر ضرر کرده است و باید در ضرر شریک شود، سودی هم برای خود مطالبه می‌کند. به‌عنوان مثال، شخصی در سال ۱۳۹۶ مبلغ ۲۰ میلیون تومان در قالب عقد مضاربه به طرف دومی می‌دهد که با آن پراید بخرد و با درآمد مسافرتی، سود یا زیان برابر دریافت نماید. این قرارداد، یک‌ساله است و در سال ۱۳۹۷ به پایان می‌رسد. در انتهای قرارداد، قیمت پراید ۵۰ میلیون تومان و درآمد کل یک سال، ۲۴ میلیون تومان بوده است. بنابراین، مبلغ کل، ۴۴ میلیون تومان برآورد می‌گردد. به سرمایه‌گذار ۲۲ میلیون تومان سود و پول اولیه‌اش... و راننده هم ۲۲ میلیون تومان می‌برد. اکنون سرمایه‌گذار با ۴۲ میلیون تومان نمی‌تواند خودروی اول را بخرد و نه تنها سود نکرده، بلکه متضرر هم هست. اما طرف کارکننده از ضرر سرمایه‌گذار سود خود را برمی‌دارد. این مثال... در شرایط پول‌طلا اتفاق نمی‌افتد (همان: ۷۲-۷۳).

به نظر می‌رسد که در این بخش، مفهوم مضاربه به درستی فهمیده نشده است. مضاربه یعنی قرارداد مال در اختیار دیگری به منظور تجارت و تحصیل سود، به گونه‌ای که سود به دست آمده بین مالک و تاجر تقسیم می‌شود (ابن‌منظور ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۵۴۵). بنابر نظر

تحلیلی بر نظریه پول‌طلا؛ با نگاهی به کتاب ... (وهاب قلیچ) ۳۴۷

فقه امامیه، مضاربه یکی از قراردادهایی است که در بخش اقتصاد بازرگانی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در آن، یکی از طرفین سرمایه خود را در اختیار دیگری قرار می‌دهد تا با آن به تجارت و بازرگانی بپردازد و سودی که از این راه به دست می‌آید، بین آن دو تقسیم شود (موسویان و بهاری ۱۳۹۱: ۳۹۳). از این رو، خرید خودرو و مسافرخشی اصلاً در قالب عقد مضاربه قرار نمی‌گیرد، چنان‌که در قراردادهای عرفی شبیه مثال عنوان شده خرید خودرو با پول سرمایه‌گذار است و مالکیت خودرو به سرمایه‌گذار تعلق دارد و فرد عامل (راننده) صرفاً با خودرو کار می‌کند و مالکیتی بر خودرو نخواهد داشت. از این رو، با افزایش قیمت خودرو، سرمایه سرمایه‌گذار رشد می‌کند و کل رشد ارزش خودرو براساس قاعده تبعیت نماند از اصل به سرمایه‌گذار می‌رسد. در این گونه قراردادهای، صرفاً سود حاصل شده از کار مسافرخشی به نسبت از پیش توافق شده بین سرمایه‌گذار و راننده تقسیم می‌شود. بنابراین، روشن است که برداشت مؤلفان از مضاربه و متضرر شدن سرمایه‌گذار اشتباه بوده است.

۸

با تحویل طلای بانک مرکزی به قیمت روز [به مردم] و جمع‌آوری و محو ریال، جریان پول‌طلا بدون هیچ شوک قیمتی محقق می‌گردد (متولی امامی و غلامی ۱۳۹۹: ۱۴۸). مقدار کمی از طلای موجود در ذخایر بانک مرکزی، برای پول‌طلا کافی است (همان: ۱۶۰).

بانک مرکزی، ریال را از متقاضی پول‌طلا دریافت و محو می‌کند. سپس از ذخایر طلای خود، سکه ضرب می‌کند و تحویل می‌دهد. یعنی مثل طلافروش عمل می‌کند... حدود ۱۲ درصد ذخایر بانک مرکزی برای این کار کافی است (همان: ۱۷۳).

ماهیت شبه‌پول، بدهی است و باید به صورت ریالی تسویه شود و نه طلایی (همان: ۱۸۲).

فقط برای جای‌گزینی دارایی ریالی "پول" [و نه شبه‌پول] باید طلا تأمین کرد (همان: ۱۸۵).

در اوایل سال ۹۷... با استفاده از حدود ۱۱ درصد حجم طلای بانک مرکزی، جای‌گزینی ریال با پول‌طلا ممکن بود. یعنی با آن عدد، حدود ۴۰۰ تن طلا برای جای‌گزینی پول کشور لازم داریم. در حالی که ۹ برابر این مقدار، در ذخایر طلای کشور موجود است و همین حدود در ذخایر جامعه وجود دارد (همان: ۱۵۲).

طرف‌داران این نظریه بر این باورند که شبه‌پول به‌نحو ریالی در تقابل سپرده با تسهیلات با یک‌دیگر تسویه می‌شود و صرفاً کافی است که پول (و نه شبه‌پول) توسط بانک مرکزی جای‌گزین پول طلا شود. براساس محاسبات کتاب، مطابق آمارهای اوایل سال ۱۳۹۷، از ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی، سهم پول حدود دویست هزار میلیارد تومان است و مابقی را شبه‌پول تشکیل می‌دهد. با لحاظ کردن هر گرم طلای ۲۴ عیار به‌قیمت پانصد هزار تومان، برای این جای‌گزینی کامل، چهارصد تن طلا نیاز است (همان: ۱۸۶). مؤلفان در ادامه، با ذکر آماری از سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، ذخایر طلا و ارز بانک مرکزی را ۱۳۳ میلیارد دلار دانستند و با انجام‌دادن محاسبات به این نتیجه رسیده‌اند که «بانک مرکزی اکنون معادل ۳۴۱۰ تن طلا دارد» (همان: ۱۸۷).

در این استدلال، چند خطای راه‌بردی به‌چشم می‌خورد. اول این‌که آن‌چه آمار مذکور بدان اشاره دارد، جمع ذخایر طلا و ارز در بانک مرکزی است و نه فقط ذخایر طلا. این درحالی است که سهم عمده از این مبلغ، به ارز اختصاص دارد و نه به طلا، درحالی‌که مؤلفان کتاب، در اشتباهی فاحش، کل ۱۳۳ میلیارد دلار را معادل ذخایر طلای بانک مرکزی محاسبه کرده‌اند، در صورتی‌که براساس جدول دارایی‌های بانک مرکزی، ارزش کل دارایی‌های خارجی^۲ بانک مرکزی در خرداد سال ۱۳۹۷ در حدود ۴۶۰ هزار میلیارد تومان ذکر شده است. بدین معنی که برای تبدیل پول (و نه حتی شبه‌پول)، که حدود ۲۰۶ هزار میلیارد تومان در تاریخ مذکور بوده است، به پول طلا، باید نیمی از دارایی‌های خارجی بانک مرکزی از این بانک خارج شود. هم‌چنین، اگر خوش‌بینانه فرض کنیم که یک‌چهارم کل این دارایی‌های خارجی از جنس ذخایر طلا باشد (درحالی‌که سهم بسیار کم‌تری از این دارایی‌ها به طلا اختصاص دارد) و با حساب قیمت ۲۷۰ هزار تومانی هر گرم طلای ۲۴ عیار در خرداد سال ۱۳۹۷، کل ذخایر طلای این بانک صرفاً حدود ۴۲۶ تن طلا خواهد بود که از عدد محاسباتی کتاب (همان: ۱۸۷)، یعنی ۳۴۱۰ تن طلا، فاصله معنی‌دار دارد.

دوم این‌که دارایی‌های خارجی بانک‌های مرکزی پشتوانه و تکیه‌گاه اقتصاد و حاکمیت هر کشوری در شوک‌های داخلی و خارجی آن کشور است. پیش‌نهاد جمع‌آوری و امحای ریال و توزیع ذخایر طلای بانک مرکزی به‌جای آن در جامعه معنایی جز خالی کردن پشتوانه بانک مرکزی و سست‌شدن پایه‌های اقتصاد از حیث امنیت اقتصادی ندارد. سوم این‌که تسویه شبه‌پول در تقابل سپرده و تسهیلات بسیار ساده‌اندیشانه است. اگر به این راحتی می‌توان شبه‌پول را امحا و تأثیرات سوء آن را از اقتصاد پاک کرد، دیگر هیچ دولتی

در جهان نگران افزایش شبه پول در اقتصاد نمی شد و هر ساله آن را امحا می کرد. علاوه بر این، در این جا باید ناهمسانی مقداری و ناهمسانی زمانی بین سپرده های کوتاه مدت را (بخشی از شبه پول) با تسهیلات بلند مدت هم در نظر گرفت.

۹. «امکان تقلب در ضرب سکه بسیار کم تر از امکان تقلب در جعل ریال و دلار است... زرگرها ابزارهای آسانی برای تشخیص عیار طلا دارند» (همان: ۱۶۹).

نقدی که بر این گزاره وارد می شود آن است که مؤلفان اثر حالت خاصی را که یک طرف معامله همواره یک زرگر متخصص است، ملاک قرار داده اند، حال آن که افراد عامی در مبادلات روزمره با یک دیگر تخصص و تبحر زرگرها را ندارند و امکان شناسایی اختلاط طلا با فلز بی ارزش و پایین آمدن عیار طلا را ندارند. گواه این بیان آن است که در حال حاضر، افراد جامعه سکه طلا را صرفاً از سکه فروشی ها و صرافی های مجاز و نه از دست مردم غریبه می خرنند و همیشه حضور یک زرگر معتبر در یک سوی معاملات طلا برای مردم ضروری احساس می شود. هم چنین، ارزش یک سکه پول طلا قطعاً از ارزش یک برگ اسکناس ریال بالاتر است. از این رو، انگیزه کاهش عیار طلا بیش تر از انگیزه جعل برگه اسکناس خواهد بود.

۱۰.

با صفر شدن خلق پول بانک مرکزی در شرایط پول طلا، خلق پول بانک های تجاری هم صفر می شود. این فرمول اقتصادی و خودکترلی سیستمی پول طلاست... جلوگیری از خیانت در پول طلای دیجیتال هم مکانیزم خودکترلی دارد. هنگامی که ضراب سکه یا بانک دار، اعتباری بیش تر از مقدار طلای ذخیره شده صادر کند، نسبت قیمتی طلا با اعتبارش تغییر می کند... در صورتی که اعتباراتی بیش از طلای موجود صادر شود، طلا به سرعت قیمتش افزایش پیدا می کند. در این وضعیت، مردم متوجه خیانت شده و به سرعت اصل طلای خود را مطالبه می کنند. مانند این است که احساس شود مؤسسه مالی - اعتباری ای در حال ورشکستگی است. در این جا سیستم شتاب مجبور است سوء استفاده احتمالی اش را با فروش اموال خودش جبران کند و طلای مردم را بدهد و در برابر این عمل مجرمانه مجازات شود (همان: ۱۷۶-۱۷۷).

روشن است که ساده انگاری در این استدلال وجود دارد. اولاً، افزایش قیمت طلا با قیمت جهانی طلا در بازارهای خارجی نیز متناسب است، چرا که نمی توان ارز اعتباری را از نظام اقتصادی دنیا حذف کرد و صرف گران شدن طلا نمی تواند گویای صدور اعتبارات

بیش از مقدار طلای ذخیره‌شده و نشانه رخداده خیانت (به قول مؤلفان) باشد. ثانیاً، در یک نظام اقتصادی با تعداد زیادی بانک، در پی افزایش قیمت طلا سپرده‌گذاران پول‌طلا از کجا خواهند فهمید که صدور اعتبارات بیش از مقدار طلای ذخیره‌شده ناشی از عملکرد بانک خودشان است یا سایر بانک‌ها تا به تنبیه کردن بانک خود عزم کنند؟

۱۱.

اگر کسی مدعی شود که در بستر نظام پول اعتباری، بر فرض کشوری می‌تواند دقیقاً مطابق تولید ناخالص ملی و هماهنگ با نرخ رشد، خلق پول کند، بازهم چنین روشی ظالمانه است. دلیلش آن است که بهره پول جدید را بانک می‌برد و این یک انحصار ظالمانه است. نتیجه آن‌که بر فرض محال، اگر کشوری بتواند طی چند دهه نوسان پولی خود را صفر نگه دارد، بحث ظالمانه بودن پول اعتباری هم چنان به قوت خود باقی است (همان: ۲۱۸).

مشخص نیست که چرا مؤلفان کتاب بر تقبیح عملیات بانکی در هر حالت و صورتی اصرار دارند. در بانک‌داری بدون ربا سود تسهیلات و عملیات بانکی (تأمین شده از منبع سپرده‌ها)، بنابر قاعده تبعیت نماء از اصل، به سپرده‌گذاران تعلق می‌گیرد و بانک صرفاً حق الوکاله خود را دریافت می‌کند. حال اگر در پی یک فعالیت اقتصادی که با تسهیلات بانکی تأمین مالی شده است، سودی حاصل شود، جدا از سهم تولیدکننده و تسهیلات‌گیرنده، سود تسهیلات هم به واسطه وکالت بانکی به سپرده‌گذار می‌رسد و در مجموع، بهره حاصل در جیب صاحبان سرمایه (سپرده‌گذاران) و عاملان کار و تلاش اقتصادی (تولیدکنندگان تسهیلات‌گیرنده) جای می‌گیرد.^۳ چنانچه انضباط پولی و رعایت اصول ترازنامه بانکی رخ دهد، سهم مدیریت بانک طی تخصیص منابع صرفاً دریافت حق الوکاله خواهد بود.

۶. نتیجه‌گیری

امروزه چالش‌های خلق پول بدون پشتوانه در برهم زدن تعادل‌های اقتصادی و ایجاد شکاف طبقاتی محل بحث و تبادل نظر محافل کارشناسی است. لذا برخی از محققان ایده‌ای تحت عنوان «به‌کارگیری پول‌طلا» را مطرح کرده‌اند. براساس چهارچوب مفهومی این نظریه، افراد می‌توانند فعالیت‌های پولی خود را از پول اعتباری به طلا منتقل کنند. هم‌چنین، شرکت‌ها و

مؤسسات خصوصی می‌توانند از طلا برای تقاضای معاملاتی، ذخایر احتیاطی، و کارکردهایی مانند پرداخت حقوق کارکنان استفاده کنند. افزون‌براین، پیش‌نهاد شده است که نهادها و ارگان‌های حاکمیتی مانند حوزه‌های علمیه، آستان قدس رضوی، و به‌خصوص نهادهای تحت تحریم گردش مالی خود را از پول اعتباری به طلا انتقال دهند. موافقان طرح جای‌گزینی پول‌طلا در مبادلات مالی معتقدند که استفاده از طلا باعث کاهش نیافتن ارزش پول در درازمدت می‌شود. هم‌چنین، قابلیت استفاده سریع از آن وجود دارد، همیشه و در همه‌جای دنیا پسندیده بوده، اقبال داشته، و نگره‌داری و پس‌انداز آن آسان است. ازسوی دیگر، شبهه ربوی در قرض‌دادن آن نیز ایجاد نمی‌شود، چراکه دقیقاً معادل طلای قرض داده‌شده بازپس گرفته می‌شود و نیازی به پرداخت مازاد (آن‌چنان‌که در قرض پول اعتباری برای جبران کاهش ارزش مطرح است) به‌وجود نخواهد آمد. هم‌چنین طرف‌داران این ایده بر این باورند که به‌کارگیری «پول‌طلا» در جای‌گزینی کامل آن به‌جای پول اعتباری می‌تواند باعث عبور از چالش‌های خلق پول بدون پشتوانه شود و زمینه جدیدی را در تحقق عدالت اقتصادی، اجتماعی، و کنترل حجم نقدینگی در اقتصاد فراهم کند، گذشته از آن‌که اجرای این طرح به افول «نهاد پول اعتباری» با پرچم‌داری دلار منجر شده است و می‌تواند «هژمونی دلار» را در جهان به‌چالش بکشد. گرچه برخی از طرف‌داران نظریه پول‌طلا مخالفان را به دستة اقتصاددانان غرب‌گرا، لیبرال، و معارضان تمدن و سبک زندگی ایرانی اسلامی منتسب می‌کنند، این ادعا باعث نمی‌شود که باب مذاقه و نقد کارشناسانه این ایده در محافل علمی و یادداشت‌های تحلیلی بسته شود.

کتاب *درآمدی بر نظریه پول‌طلا: نظام پولی تمدن نوین اسلامی* از برجسته‌ترین کتاب‌های نگارش شده در تبیین نظریه پول‌طلاست که می‌توان آن را تلاشی دغدغه‌مند با نیت رفع چالش‌های نظام پولی و بانکی و ارائه الگویی جدید و ساختارشکنانه دانست که پیش‌نهاد جای‌گزینی کامل پول‌طلا به‌جای پول رایج در مناسبات اقتصادی را طرح می‌کند. این مقاله، با نقد و بررسی کتاب مذکور، سعی در تبیین مهم‌ترین ایرادات شکلی و محتوایی این اثر داشته است. بنابر نتیجه این تحقیق، نظریه مذکور قوت چندانی ندارد و باوجود ادعای مؤلفان، نتوانسته است به ابهام‌ها و پرسش‌های اساسی منتقدان پاسخ علمی و قانع‌کننده‌ای را ارائه دهد. شاید اگر مؤلفان و طرف‌داران نظریه پول‌طلا بر استفاده هم‌زمان از طلا در مبادلات اقتصادی (و نه حذف کامل پول اعتباری) تأکید می‌کردند، این کتاب می‌توانست کاربردهای بیش‌تری در اقتصاد امروز داشته باشد.

توصیه آخر آن که اولاً، به نظر می‌رسد انتساب مخالفان یک ایده به یک طیف تفکری خاص تنها باعث مسدود شدن باب مباحثات علمی و کارشناسی شده است و نتیجه‌ای جز انزوای نظریه‌پردازان هم‌سو و محرومیت خودساخته از نظرهای سازنده، اصلاحی، و تکمیلی در بر نخواهد داشت. رعایت این نکته زمانی بیش‌تر احساس می‌شود که تمسک به فرهنگ تمدن اسلامی - ایرانی پشتیبان و مبنای خلق ایده توسط ایده‌پردازان مطرح می‌شود. ثانیاً، چالش‌های وضعیت فعلی خلق پول را از حیث اثرگذاری سوء بر جریان‌های اقتصادی نمی‌توان کتمان و انکار کرد، اما بهتر است که راه‌حل رفع یا تخفیف این چالش‌ها را در پیش‌نهادهایی هم‌چون التزام بیش‌تر نظام بانکی به استفاده متناسب از عقود کارآمد شرعی، تقویت و تکمیل الگوهای مطلوب ذخیره قانونی در بانک‌داری اسلامی، و پی‌گیری بهبود فرایندهای بانک‌داری مرکزی از جمله اجرای سیاست‌های پولی با ابزارهای مشروع، بازنگری و اصلاح نظام حساب‌داری و حساب‌رسی، تقویت نهاد نظارت شرعی، افزایش سطح پیوند نظام پولی با بخش واقعی اقتصاد، و مباحثی از این دست دنبال کنیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. نظریه یا تئوری (theory) نوعی بیان خلاصه و خردمندانه و منطقی حاصل از اندیشیدن درباره یک پدیده یا از نتایج چنین اندیشه و تفکری است. چنین شیوه اندیشیدن خردمندانه و منطقی غالباً با فرایندهایی مانند مطالعه و مشاهده یا تحقیق هم‌راه است. نظریه‌ها ممکن است علمی یا غیرعلمی (یا به‌میزان کم‌تر تأثیر یافته از علم) باشند (Weiner 1996).
۲. دارایی‌های خارجی بانک مرکزی عبارت‌اند از: طلا، طلا نزد صندوق بین‌المللی پول، ارز، ارزهای تهاتری، سهمیه، و سهام در مؤسسات بین‌المللی و حق برداشت مخصوص.
۳. البته با دخیل شدن سرمایه سهام‌داران بانک و ایجاد منابع مشاعی سهمی از سود مشاعی به سهام‌داران هم خواهد رسید.

کتاب‌نامه

- ابن منظور، جمال‌الدین (۱۴۱۴ق)، *لسان‌العرب*، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
حلی، حسن‌بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *تذکره الفقهاء*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
ختایی، محمود و رؤیا سیفی‌پور (۱۳۹۴)، «بررسی الزامات تورم یک‌رقمی در اقتصاد ایران»، س ۲۰، ش ۳.

تحلیلی بر نظریه پول‌طلا؛ با نگاهی به کتاب ... (وهاب قلیچ) ۳۵۳

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دار العلم.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، *الروضه البهیة فی شرح المعنة الدمشقیة*، قم: کتاب‌فروشی داوری.
- قلیچ، وهاب (۱۳۹۸ الف)، *وکالت در بانک‌داری بدون ربا؛ کاربردها و چالش‌ها*، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.
- قلیچ، وهاب (۱۳۹۸ ب)، «پول‌طلا؛ ایده‌ای با ابهام‌های فراوان»، *خبرگزاری ایبنا*، شناسه خبر ۱۰۸۴۹۸.
- متولی امامی، سیدمحمدحسین و محمدحسن غلامی (۱۳۹۹)، *درآمدی بر نظریه پول‌طلا؛ نظام پولی تمدن نوین اسلامی*، قم: کتاب فردا.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۴۱۶ق)، *تحریرالوسیله*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- موسویان، سیدعباس و حسن بهاری قراملکی (۱۳۹۱)، *مبانی فقهی بازار پول و سرمایه*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱)، *جواهرالکلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

Lonnberg, Ake (2008), "Who Signs the Banknotes?", *Quarterly Journal of Central Banking*, vol. 18, no. 3.

Weiner, Bernard (1996), *Human Motivation: Metaphors, Theories, and Research*, Sage.

<<https://www.worldbank.org>>.

<<https://www.imf.org>>.

